اندیشه دینی در سه زمینه مورد سؤال قرار گرفته است. زمینه اول مسئله خردگرایی و به اصطلاح رابطه دین و عقل است. زمینه دوم مسئله آزادی است و زمینه سوم، مسئله زن و حقوق زن در اندیشه دینی و اسلامی است. در رازگار ما در هر سه زمینه سوالات بسیار مهم و اساسی در ارتباط با اندیشه دینی مطرح است. شاید بحث خردگرایی و آزادی، در ارتباط با زن و جایگاه زن در اندیشه دینی نیز مطرح شود. ما در مجموعه دوره اندیشه دینی و طرح ولایت استانی که با محوریت کتب و آثار مرحوم آقای مطهری در حال برگزار شدن است می­خواهیم. هر سه مسئله را بررسی کنیم. مسئله خردگرایی و رابطه دین و عقل در مباحث جهان بینی و انسان شناسی، مسئله آزادی را در ارتباط با مسائل انسان شناسی، مفصلاً بررسی می کنیم و ناچاریم این دو موضوع را در مسئله زن هم بررسی کنیم.

مرحوم آقای مطهری این کتاب[[1]](#footnote-1) را در پاسخ به سؤالات و مقالاتی که در مجله «زن روز» زمان شاه چاپ شده نوشته­اند. ایشان در مقدمه این کتاب توضیح داده که: «آنچه اکنون از نظر خواننده محترم می­گذرد مجموعه مقالاتی است که به مناسبت خاصی این بنده در سالهای 45- 46 در مجله زن روز تحت عنوان «زن در حقوق اسلامی» نشر داد و توجه فراوانی جلب کرد. برای افرادی که سابقه کار را نمی­دانند و در آن اوقات در جریان نبودند و اکنون می­شنوند که این مقالات در آن مجله اولین بار نشر یافته است، قطعا موجب شگفتی خواهد بود که چگونه این بنده آن مجله را برای این سلسله مقالات انتخاب کردم.» با مجله زن روز زمان شاه آشنا هستید و می­دانید که از نظر ابتذال فرهنگی چه وضع عجیبی در این مجله حاکم بوده است. «و چگونه آن مجله حاضر شد بدون هیچ دخل و تصرفی این مقالات را چاپ کند؟ از این رو لازم می دانم «شأن نزول» این مقالات را بیان نمایم» این شأن نزول مسئله مهمی است و رسالت کلاس ما را تقریبا معین می کند.

«در سال 45 تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانوادگی، در سطح مجلات خصوصا مجلات زنانه سخت بالا گرفت و نظر به اینکه بسیاری از پیشنهادهایی که می­شد بر ضد نصوص مسلم قرآن بود، طبعا ناراحتیکایی در میان مسلمانان ایران به وجود آورد. در این میان قاضی فقید ابراهیم مهدوی زنجانی (عفی الله عنه) بیش از همه گرد و خاک می کرد و حرارت به خرج می داد. مشارٌالیک لایحه ای در چهل ماده به همین منظور تنظیم کرد و در مجله فوق الذکر چاپ نمود.» و خلاصه مجله یک سری "کوپن" منتشر کرد که این پیشنهادات را به رأی خوانندگانش بگذارد.

«مقارن این ایام یکی از مقامات محترم و مشهور روحانی تهران به این بنده تلفن کردند و اظهار داشتند: در مجلسی با مدیران موسسه کیهان و موسسه اطلاعات ملاقاتی داشتم.» خلاصه در خصوص بعضی از مطالب مذاکراتی شد. این شخصیت، مرحوم آیت الله خوانساری از مراجع عظیم الشأن تهران بوده است.

«معظم له پس از نقل این جریان به من پیشنهاد کردند که اگر وقت و فرصت اجازه می دهد، این مجلات را بخوانم و برخی تذکرات لازم در هر شماره را بدهم. بنده گفتم: من به این صورت که در هر شماره حاشیه­ای بر گفته­ای بنویسم حاضر نیستم، ولی نظر به اینکه آقای مهدوی قرار است یک سلسله مقالات در دفاع از چهل ماده پیشنهادی خود در مجله زن روز بنویسد، من حاضرم طی سلسه مقالاتی درباره همان چهل ماده در همان مجله در صفحه مقابل بحث کنم.» حاضرم در یک مناظره مطبوعاتی، آقای مهدوی زنجانی نظرات استدلالی خودش را درباره مسائلی مثل حجاب، طلاق، خواستگاری، نفقه، ارث و هر مسئله مربوط به زن که ادعا می کردند اسلام در خصوص با این مسائل به شدت به زن ظلم کرده و باید حقوق زن را احیا کرد و زن را مطابق با مدل غربیش حق و حقوق داد، بنویسد و من درسلسله مقالاتی درباره همان چهل ماده در همان مجله در صفحه مقابل بحث کنم.

«تا هردو منطق در معرض افکار عمومی قرار گیرد. معظم له از من فرصت خواستند تا بار دیگر با متصدیان تماس بگیرند. مجددا به من تلفن کردند و موافقت آن مجله را به این شکل اعلام داشتند. پس از این جریان، بنده نامه ای به آن مجله نوشت و آمادگی خود را برای دفاع از قوانین مدنی تا آن حد که با قرآن و اسلام [فقه اسلام] منطبق است اعلام کرد و درخواست نمود که مقالات اینجانب و مقالات آقای مهدوی دوش به دوش یکدیگر و در برابر یکدیگر در آن مجله چاپ شود. ضمناً یادآوری کرد اگر آن مجله با پیشنهاد من موافق است عین نامه مرا به علامت موافقت چاپ کند. مجله موافقت کرد و عین نامه در شماره 87 مورخ 7/8/45 آن مجله چاپ شد و اولین مقاله در شماره 88 درج گردید... این مقالات نیز رودرروی آنها قرار گرفت. طبعا من از موضوعی شروع کردم که مشارٌالیه بحث خود را شروع کرده بود. به این عبارت توجه کنید تا بعدا نکته ای را بعدا عرض کنم. «طبعا من از موضوعی شروع کردم که مشارٌالیه بحث خود را شروع کرده بود. درج این سلسله مقالات مشارٌالیه را در مشکل سختی قرار داد، ولی شش هفته بیشتر طول نکشوید که با سکته قلبی درگذشت و برای همیشود از پاسخگویی راحت شد... به درخواست علاقه­مندان از من و از مجله این سلسله مقالات تا سی و سه مقاله ادامه یافت.»

«اگر چه در این سی و سه مقاله فقط قسمتی از آنچه در نظر بود نگارش یافت و مطالب زیادی باقی ماند.» ما احساس کردیم الان مقام معظم رهبری از فضای علمی و دانشگاهی و حوزوی و نیروهای نخبه ما توقع تسلط بر این مبانی و ادامه این جریان را دارند. یعنی ما باید بتوانیم آگاهانه و آزادانه با قلم و تحلیل همه سؤال راجع به زن را بررسی کنیم.

مرحوم آقای مطهری با شجاعت این کار را در مجله زن روز زمان شاه انجام داد. و مقالات مستدل ایشان آنچنان جایگاهی یافت که تا سی و سه هفته ایشان ادامه پیدا کرد و دفاعی بسیار ارزشمند کردند که-خواهیم دید- متاسفانه تا الان خیلی از خواهران و برادران آنها را نمی دانند. آقای مطهری سال 45 نوشتند؛ الان سال 84 است.یعنی قریب چهل سال پیش.

مقام معظم رهبری از ما خواستند مطهری را بشناسیم و از مرز این اندیشمند بگذریم و بتوانیم اندیشه های ارزشمند اسلامی را تبدیل کنیم و در اختیار دنیا قرار بدهیم. این کتاب بسیار ارزشمند است. خواهید دید که هر سه بحث به شکل بسیار زیبایی در این کتاب تا حدودی بررسی شده­اند. در این بحث ما باید سؤالات بسیار عجیبی جواب بدهیم.

ما دو دین بزرگ داریم.یکی دین مسیحیت که زن را آنقدر آلوده –معذرت می خواهم- آنقدر مظهر آلودگی و گناه می بیند که ازدواج را هم مانع تعالی و رشد انسان تصویر کرده و اعلام کرده اگر انسانی بخواهد به غایت کمالش برسد باید مطلقا از زنها دور باشد.

می گویند اگر از مسیحیت بگذریم، به قول برتراند راسل[[2]](#footnote-2) در کتاب «اخلاق جنسی در اسلام و مکتبهای مغرب زمین» می­گوید که اسلام در ارتباط با اخلاق جنسی آزادانه تر عمل کرده است، اما اسلام هم زن را در حد اینکه وسیله ای برای رفع التذاذ مردها و در خدمت جامعه­ی مردها باشد تصویر کرده است؛ تو می توانی چهار زن دائم، دهها زن صیغه­ای، تعداد زیادی کنیز داشته باشی که به تو خدمت کنند. اما نفقه­ای هم باید بدهی. چرا نفقه می دهی؟ نفقه در حد علوفه­ای است که -معذرت می خواهم- به حیوانت می­دهی. این متن اشکالاتی است که الان علیه دین مطرح می­کنند. می­گویند همانطور که شما اگر اسبی در اختیار داشته باشوید و از آن استفاده کنید باید محلی برای نگهداری این اسب و مقداری علوفه و آب برایش در نظر بگیرید، اسلام هم اگر نفقه را مطرح کرده همینقدر به زن توجه کرده است.

لذا در اندیشه دینی زن آنقدر تحقیر شده و شخصیت آلوده ای تصویر شده که یا باید مطلقا از او دوری کرد یا باید او را با پارچه سیاهی به نام چادر پوشاند و گوشه خانه نگه داشت. در این حد که نیاز مرد را برآورده کند و فرزندی بیاورد و شیر بدهد.در مقابل، نفقه و قوت لا یموتی برایش در نظر گرفت؛ در این حد به زن شخصیت داده­ایم.

اگر اسلام در باب ارث، دیه، حق طلاق، وجوب نفقه و در خیلی از بابها جانب مرد را گرفته یعنی زن را تحقیر کرده است. اگر اسلام به زن بها می­دهد چرا زنان هرگز به مقام نبوت نمی­رسند؟ چرا زنان باید همیشود یک شهروند درجه دو باشند؟ یک پله پایین­تر از مردها باشند. عالی­ترین مقامات معنوی و عالی­ترین کمال انسانی باید برای مرد باشد. این چه اندیشه ای است؟ بررسی بکنیم. در ارتباط با اندیشه دینی و مسئله زن، سوالات بسیار جدی و اساسی است.

آیا این جور اشکالات در الگویی که الان برای زن در غرب ارائه میشود بر طرف شده است؟ گاهی بحث که به اینجا می­رسد می­گویند فرض کنید غرب این کار را نکرده، اما اسلام هم نکرده است؛ پس نه اسلام و نه غرب. ما آزادانه الگویی ارائه کنیم که حق و حقوق زن را استیفا کنیم. اینها سوالات مهمی است که در باب حقوق زن مطرح بوده و مرحوم آقای مطهری بخشی از آنرا پاسخ داده­اند. ایشان فرموده: «سلسله مسائلی که در آن مقالات طرح شد عبارت است از: خواستگاری، ازدواج موقت(متعه)، زن و استقلال اجتماعی، اسلام و تجدد زندگی، مقام زن در قرآن، حیثیت و حقوق انسانی، مبانی طبیعی حقوق خانوادگی، تفاوتهای زن و مرد، مهر و نفقه، ارث، طلاق، تعدد زوجات. مسائلی که باقی ماند و یادداشتهایش آماده ااست: حق حکومت مرد در خانواده، حق حضانت کودک، عده و فلسفه آن، زن و اجتهاد و افتا، زن و سیاست، زن در مقررات قضایی، زن در مقررات جزایی، اخلاق و تربیت زن، پوشش زن، اخلاق جنسی(غیرت عفاف حیا)، مقام مادری، زن و کار خارج و یک عده مسائل دیگر.»مرحوم آقای مطهری می فرمایند از خدا توفیق می خواهم که این کارها را هم بتوانم انجام دهم.

بخشی از این مسائل را مرحوم آقای مطهری در کتاب حجاب و کتاب اخلاق جنسی انجام داده­اند، اما بخش زیادی هم باقی مانده.چه کسی باید بخش باقی مانده را انجام دهد؟ شخصیت حوزوی و دانشگاهی امروزِ ما، که در دوره تولید علم و در دوره نهضت نرم افزاری و تولید اندیشه مخاطب مقام معظم رهبری است. دست کم آنچه که مرحوم مطهری فرموده را بدانیم تا منطق اسلام را درست تصویر کنیم.

بر همین اساس احساس کردیم رسالت ما این است که در این جلسات اندیشه دینی یک سری مباحث مهم در ارتباط با قضیه زن را مطح کنیم.

انشاء الله در پایان همین ترم -البته به همه جوابها نمی رسیم- مطمئن خواهید شد اگر هیچ دلیلی بر اعجاز قرآن نبود، فقط مسئله زن کافی بود که قرآن معجزه باشد. منطق بسیار عجیب قرآن را درباره مسئله زن ومقام و جایگاه زن انشاءالله با هم تصویر کنید و ببینید؛ عجیب منطقی است. ما در مقام پاسخ گفتن به این سؤالات مسیری را طی می کنیم که با مسیر کتاب مرحوم آقای مطهری کمی فرق دراد. به جهت اینکه مرحوم آقای مطهری -در مقدمه فرمودند- مجبور بودند بحث را از جایی شروع کنند که آقای مهدوی شروع کرده بود. اما از لحاظ ترتیب منطقی، بحث اینگونه نیست. ترتیب منطقی این بحث، همان است که خود آقای مطهری در جای دیگر به آن معتقدند.

سوالات را بررسی کنیم تا مطلب روشن شود. چرا زن نبی نمی­شود؟ چرا حق نفقه برای زن وضع شده است؟ چرا حق طلاق به مرد اختصاص دارد؟ چرا تعدد زوجات حق مرد است؟ چرا در مسئله ارث،زن بهره کمتری دارد؟

این سوالات مربوط به بخش ایدئولوژی دین است. اینها آرمان­ها بایدها و ارزش­های اندیشه دینی است. این که مرد باید نفقه بدهد و زن حق دریافت نفقه دارد، مرد باید این نکته را در ارتباط با شیردهی رعایت کند، زن باید چادر به سر کند یا باید پوشش داشته باشد. (چادر ممکن است موضوعیت نداشته باشد).

از لحاظ منطقی ما ابتدا باید جایگاه زن را در جهان بینی قرآنی تصویر کنیم. اول باید ببینیم جهان­بینی قرآنی ما درباره زن چگونه نظر داده است و آیا تحلیلی که در جهان­بینی قرآنی درباره زن ارائه میشود می­تواند ما را در بدست آوردن علت این بایدها و نبایدها یاری کند؟ از نظر تحلیلی و منطقی، جایگاه زن در جهان بینی قرآنی، بر مسئله زن در ایدئولوژی قرآنی مقدم است.یعنی ابتدا باید بررسی کنیم که در تحلیل نهایی و در جهان بینی قرآنی، زن و مرد چه جایگاهی دارند تا بتوانیم بفهمیم که چرا زن پیغمبر نمی­شود؟

ما اگر جهان بینی قرآنی و اسلامی را درست تصویر نکنیم ممکن است مردها هم نسبت به رعایت حق و حقوقشان معترض شوند. چنانچه در اروپا الان این اتفاق رخ داده است. مرحوم مطهری در مقدمه کتاب خلاصه مقاله یکی از مجلات آمریکایی درباره وضعیت زنان کارگر آمریکا را نقل می­کنند که فلان زن کارگر مثلا در کارخانه جنرال موتور آمریکا مجبور است بسته 25 پوندی را که یک مرد قوی هیکل به زمین گذاشته بلند کند و چون از نظر جسمی قدرت بلند کردن چنین وزنه ای را نداشته، مجروح شده است

«در مجله خواندنیها شماره 79 از سال 34 مورخ 4 تیرماه 53 مقاله ای از مهنامه شهربانی تحت عنوان "سرگذشت هایی از زنان کارگر در جامعه آمریکا" نقل کرده است... این مقاله مفصل و خواندنی است. ابتدا درد دل خانمی را نقل می کند که چگونه به عنوان تساوی زن و مرد رعایتهایی که سابقاً از زنان کارگر می­شد که مثلا وزنه های بیش از 25 پوندی را که قبلا زنان بلند نمی کردند الان این رعایتها وجود ندارد...حالا شرایط کار در کارخانه جنرال موتورز ایالت اوهایو یا به عبارت بهتر همان جایی که قریب 2500 زن در حال زجر کشویدن هستند تغییر یافته است...خانم مذکور همچنین خود را در حال نگه داشتن یک ماشین بخار بسیار قوی یا پاک کردن یک تنور فلزی 25 پوندی که چند لحظه قبل مرد قوی هیکلی آن را بر جای گذاشته می بیند و با خود می گوید سر تاپایم کوفته و مجروح شده او می­گوید: هر دقیقه باید یک دسته 25 تا 50 اینچی را که بالغ بر 35 پوند وزن دارد به قلابها آویزان کنم، همیشه دستهایم متورم و دردآلود است. این مقاله سپس درد دل­ها و تشویش و اضطراب­های خانم دیگری را که شوهرش ملوان نیروی دریایی است و در یک کشتی کار می کرده که این کشتی با 40 زن و 480 ملوان مرد به مأموریت رفتند و پس از بازگشت اولین ماموریت "مختلط" بزودی معلوم شد که نه تنها داستانهای عشقی زیادی در کشتی اتفاق افتاده بلکه اغلب زنان به جای یک نفر با چند نفر آمیزش جنسی داشتند.» پس نگرانیهای این خانمی که شوهر ملوان دارد به حق است. «می نویسد: در ایالت فلوریدا، نگرانی پس از آزادی گریبانگیر زنان "بیوه" گردیده زیرا یکی از قضات این ایالت به نام «توماس تستا» اخیرا قانونی را که برای زنان بیوه تا 500 دلار بخشودگی مالیاتی در نظر گرفته بود غیرقانونی اعلام کرده است. و اظهار می دارد که این قانون تبعیضی علیه مردان است. الان آقا مردها هم معترض شدند که علیه مردان تبعیض وجود دارد. چرا ما نفقه بدهیم؟ چرا به زنان بخشودگی مالیاتی میدهید؟ چرا از بلند کردن وزنه های سنگین معاف باشند؟نخیر حالا که مسئله مسئله تساوی حقوق زن و مرد است، کلیه تبعیضها را بردارید. یک زندگی خانوادگی است، مرد کار کند، زن هم کار کند. زن همان مقدار سهم در زندگی داشته باشد که مرد دارد و دیگر چرا شما تبعیض علیه مردها قائل می شوید. باید ببینیم آیا جهان بینی اسلامی ما درباره انسان: 1- درباره مرد و درباره زن به گونه ای است که این بایدها و نبایدها تبعیضی علیه مرد یا علیه زن تلقی بشود. باید اول تکلیف مسئله را در جهان بینی روشن کنیم. اگر جهان بینی قرآنی را اول تصویر کردیم؛ می توانیم ریشه بسیاری از سؤالات را در ارتباط با بایدها و نبایدها تبیین کنیم. لذا ما، خواهران بزرگوار روال بحث را تغییر دادیم. آمدیم فصل چهارم را ابتدا بحث می کنیم. فصل چهارم و پنجم این کتاب را اول بحث می کنیم. جایگاه زن در جهان بینی قرآنی را جایگاه زن و تجدد را جایگاه زن و مسئله تشابه یا تساوی حقوق را اینها یک سری مباحث زیربنایی است در ارتباط با جهان بینی بفرمائید قرآنی. اول این را باید رسیدگی بکنیم. اگر اینها رسیدگی شد جهان بینی قرآنی ما درباره انسان و درباره زن و مرد تبیین شد اونموقع متوجه خواهید شد که عرض کردم بسیاری از این بایدها و نبایدها معجزه اسلام است و بزرگترین خدمت هم در حق مرده هم در حق زن. و هرگز تبعیضی نه علیه مرده نه علیه زن. در اینصورت که این خانمهای کارگر یا آقایان آمریکایی فریاد تبعیض سر نمی دهند. در همین مقاله ادامه داده و می نویسد حالا دیگر بحث بی فایده است زیرا تماشاگران تازه صندلیهای خود را پیدا کردند. تازه خانمها باید خودشان را آماده کنند که جریان تساوی حقوق زن و مرد راه افتاده.

ویل دورانت نقل می کند که کارخانه داران مجلس عوام برای آنکه توسعه سرمایه داری را سازمان بدهند احساس کردند زنان کارگران ارزانتری هستند. زنان را به کارخانه ها کشاندند تا ارزانتر تولید انبوهشون را سازماندهی کنندقضیه را بررسی کنیم و ریشه ها را تبیین بکنیم بعد در مقام شناخت بایدها و نبایدها ببینیم باید فتوا به تساوی داد یا به تشابه؟ و این که ریشه انسان شناسانه تساوی یا تشابه کجاست؟ این را دقیقا باید بررسی کنیم. آیا مادر حقوق انسانی آزادی است؟. که به تشابه حقوق و هرج و مرج حقوقی منجر شود یا مادر حقوق انسانی عدالت است؟ این اصل مادر حقوق، یعنی عدالت، ما ناگزیریم به اصل مکملیت برسیم. این را ان شاء الله بیان می کنم از قرآن برای شما که زن و مرد عین هم نیستند، اما مکمل هم هستند. هیچکدوم بر دیگری برتری ندارد. اما مکمل همند. لذا تکالیفی نه مشابه اما مکمل دارند. ابتدا باید زن را در جهان بینی قرآنی تصویر کنیم و جایگاه زن و مرد را در مسیر حرکت انسان تبیین کنیم، آنگاه طبق ایدئولوژی اسلامی بایدها و نبایدها و سوالات را بررسی کنیم و جواب بدهیم.

تا اینجا عنوان بحث، ضرورت بحث، سابقه تاریخی مسئله،به صورت خلاصه وجهت آشنایی دوستان بررسی شد.اما عنوان بحث امروز ما «زن در جهان بینی اسلامی» است.

جهان بینی همانطور که اشاره کردیم بخشی است از مکتب که تحلیل ما را در ارتباط با انسان و جهان شکل میدهد. ما در ارتباط با یک سری مسائل بنیادی مثل مبدا مثل معاد و مثل انسان باید یک تحلیلی ارائه کنید. یک تفسیری ارائه کنید. اون بخش از مکتب که مترصد تحلیل و تفسیر انسان مبدا و مسیر انسان به سوی کماله بفرمائید اون جهان بینیک ما بالاخره ناگزیریم تحلیلی و تفسیری از انسان، مسیر انسان، مبدأ و مبدأ حرکت و منتها الیک حرکت انسان ارائه کنیم این بخش را جهان بینی میگیم حالا منابع این تحلیل ما ممکند علم باشد ممکند فلسفه باشد ممکند دین باشد ممکند عرفان باشد ممکند هنر باشد. در تحلیلی که ما درباره انسان و هستی و راهِ حرکت انسان مبدا و منتهی الیک حرکت انسان ارائه می کنیم بفرمائید منابع مختلفی ممکند دخالت کند پس ما یک تحلیلی یک از انسان دو از مبدا سه از منتهی الیک حرکتش. انسان میشود نبوت، مبدا میشود توحید، منتهی الیک حرکت میشود معاد.میشود اصول دین. شما بین مبدا و منتهی الیک یک مسیر تصویر می کنید این میشود مسیر حرکت انسان. اینها کار ما نیست الان من یادآوری کلی می کنم برای شما. اسم این تحلیل را که می خواد انسان را بین مبدأ و معاد تصویر کند بفرمائید جهان بینی. یک بار این تحلیل ما بر اساس منابع علمیک. بر اساس منابع فلسفیک بر اساس منابع بفرمائید دینیک یا بر اساس منابع عرفانیک که طرحهاشون را باید یاد بگیرید و بلد باشوید به ما الان مربوط نیست. این تیکه را می گیم کجا جهان بینی. حالا می خوایم در جهان بینی اسلامی جایگاه زن را تبیین کنیم. یعنی ببینیم بر اساس مابع قرآنی ما زن در مسیر مبدا و معاد، زن در مسیر تعالی و حرکت چه جایگاهی دراد مرد چه جایگاهی دراد. آیا مثلا ببینید آیا جنسیت در مسیر حرکت بین مبدا و معاد بین مبدا و منتهی الیک تاثیری دراد یا ندراد. ما می خوایم بررسی کنیم. سواله. باید برگردیم به منابع قرانی از دریچه قرآنی،زن را در جهان بینی قرآنی تصویر کنیم. در راستای این تحلیل البته خواهرا چون می خوایم رای داستانهای قرآنی مانور بدهیم و بررسی کنیم مانعی ندراد که سوال خردگرایی در جهان بینی اسلامی و آزادی در جهان بینی اسلامی را هم مرار کنیم چون در فصلهای بعدی خیلی به درد ما می خوره ما اصل محور تحقیقمون فعلا زن در جهان بینی بفرمائیداسلامی اما مانعی ندراد که مسئله خردگرایی را و مسئله بفرمائید آزادی باز در این مسیر بررسی کنیم. بررسی قرآنی. در باب خردگرایی ببینید بحث اصلی را گم نکنید ها اینها بهش میگیم استطرادی دیگر استطرادا می خوایم اینها را بررسی کنیم. در مسئله خردگرایی سوال مهمی که وجود دراد و معمولا به زن هم بر می گرده اینه که آمدن گفتن دین اساسش تقابل دراد با تعقل و خرد. و امر انسان دائر بین اینکه بفرمائید یا بله عالم و خردمند و اندیشمند باشد یا متدین بله مسئله مهم این بود که گفتن آقا اساس مسئله دینی تعارض دراد با بفرمائید خردگرایی و لذا در کلام جدید که یک شاخه جدیدی است میان اندیشمندان بحثهای بسیار مهمی مثل این آقای باربور(د) در باب تعارض علم و دین نوشته شده. البته ریشه این حرفها ریشه اش را بلدید دیگر اینها را خوندید تو کتابهاتون ریشه این حرفها را باید از کجا پیدا کرد بفرمائید بله ریشه این حرفها را باید از مسیحیت پیدا کرد چرا بخاطر اینکه بر اساس اندیشه مسیحیت بعد از خلقت انسان بفرمائید درخت منعیک ای که انسان را اجازه ندادند از او استفاده کند درخت علم است و لذا صریح داستانهای سفر پیدایش تورات و انجیل باید مراجعه کنید صریحا دراد که وقتی آدم از درخت علم استفاده کرد نزدیکه که آدم از درخت حیات هم بخوره و ابدی بشود لذا او را از بهشت بیران می کنند این شد اساس تعارض علم و دین. تحقق این تعارض درباره زن چیک خواهرا میگن زن هم مظهر کم عقلیک. دیدید دیگر بله که زنان را ناقصات العقول خوب دقت کنید با عناوینی که طرح می کنید ارتباط دراد با بحث ما زنان را اینطوری تصویر می کنند میگن زنان خلاصه موجودات بله بهره احساسیشون زیاده بهره .عقلیشون کمه. لذا محدودیت ها و مسئولیتهاشون هم فرق دراد. پس یک بحثی وجود دراد درباره تعارضی که دین و عقل یا تعارضی که شخصیت زن با خردگرایی و بفرمایید عقل گرایی دراد در کدوم اندیشه خواهرا؟ در اندیشه دینی.یک سوال. حالا این دو بحث داشته باشوید. برای بررسی این مسئله در جهان بینی قرآنی و در جهان بینی اسلامی مرحوم آقای مطهری به یک اشاره ای گذشته توی همان فصل چهارم زن در جهان بینی قرآنی برای بررسی این سخن در اندیشه قرآنی خیلی زیباست که ما یک مراری کنیم بر خلاصه بعضی از داستانهای قرآنی می خوایم جایگاه زن را تصویر کنیم جایگاه زن در جهان بینی قرآنی. اولین داستانی که در این رابطه بسیار به درد ما می خوره داستان بله خلقت آدمه. داستان خلقت آدم داستان خلقت آدم در دو سوره مهم یکی سوره بفرمائید بقره و یکی سوره اعراف در این دو سوره میشود این داستان را بررسی کرد جایگاه زن و جایگاه خرد در آیات سوره بقره و آیات سوره اعراف خیلی زیباست دقت کنید خواهران من و اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه خداوند به ملائکه فرمود من می خوام جانشینی در رای زمین قرار بدم بله. آیات سی ام به بعد سوره بقره اذقال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه بله اعراف هم وقتی رسیدیم انشاءاله عرض می کنیم. قالوا اتجعل فیکا من یفسد فیکا و یفسک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک خداوند به ملائکه فرمود من می خوام خلیفه ای جانشینی در زمین بیافرینم ملائکه اعلام کردند اتجعل فیکا در زمین می خواهی قرار بدهی من یفسد فیکا کسی را که در زمین افساد کند. افساد در مقابل اصلاح. ببین دعوای اصلاحاته ها. اصلاح و افساد قضیک بسیار جدی است در انسان شناسی قرآن حالا انشاءاله اینها را داشته باشوید تا ما بعدا تو بقیک داستانها ریشه هاشو دربیاریم. خیلی عجیبه قالوا اتجعل فیکا من یفسد فیکا ،یفسد از چه بابیک بله یفسد افساد در مقابل اصلاح. حضرت شعیب می گفت و ما ارید الا الاصلاح ان استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیک انیب انبیا می گفتند ما آمدیم اصلاح کنیم ملائکه می گفتند انسان می خواد افساد کند ببینید چقدر تقابل این دو تا دیدگاه را در قرآن حالا بَعد بُعد زن و مردشو بررسی می کنیم خیلی جالب میشود خوب دقت کنید خواهرا قالوا اتجعل فیکا من یفسد فیکا تو می خواهی کسی را قرار بدهی که افساد کند؟ و یفسک الدماء و خون بریزه؟ و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک حالا ببینید قال انی اعلم ما لا تعلمون خداوند به فرشته ها فرمود من یک چیزی می دانم که شما نمی دانید. حالا این اعلم ما لا تعلمون را داشته باشوید. قال انی اعلم ما لا تعلمون من می دانم چیزی را که شما نمی دانید. حالا و علم ادم الاسماء کلها خداوند به آدم چیو داد علمه به همه اسماءرا و علم آدم الاسماء چون آدم قراره خلیفه خدا بشود باید همه اسماء حسنی الهی را داشته باشد خیلی زیبا حضرت امام فرمودند اولین کلاس علم و اندیشه و خرد در ملاء اعلی استاد خدای متعال، شاگرد بزرگ این مکتب آدمه. البته آدم. حالا اشکال هنوز پا برجاست میگن علم ادم نفرمود انسان آدم که مرده پس هنوز مشکلِ بفرمائید زنها حل نشده ها حالا ببین باید ببینیم چرا چرا تقدم زمانی دراد خلقت مرد بر زن. چرا اولین شاگردی و علم به همه اسماء مال مرده باید جواب بدید. باید با دقت اینها را جواب بدید و علم ادم الاسماء کلها خداوند علم به چی داد اسماء ثم عرضهم علی الملائکه فقال انبئونی باسماء هولاء ان کنتم صادقین بعد فرمود ملائکه شما اسماء را بگید ببینم. قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا خدایا تو منزهی لا علم لنا الا ما علمتنا حالا انشاءاله بعدا تو انسان شناسی میگیم ملائکه مقامشون معلومه معینه تنها موجودی که مقامش مقام بله معلوم نیست انسانه. تنها موجودی که در خلقت مقامش معلوم نیست انسانه. یعنی ماهیتش را خودش میسازه. اینو اگزیستانسیالیست ها نگفتند قرآن فرموده ولی با دقت بیشتری. اینو تو بحث های انسان شناسی انشاءاله ترم آینه باید رسیدگی کنیم. لا علم لنا الا بفرمائید ما علمتنا خدایا ما علم نداریم مگر اینکه تو به ما دادی ما دیگر اینها را نداریم. لا علم لنا در آیات دیگر دراد که ما مقامون مقام معلومه. مقام همه موجودات در عالم معلومه الا انسان انسان اصلا مقام معلوم ندراد. حالا ببینید قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علتمنا انک انت العلیم الحکیم قال یا ادم انبئهم باسماءهم ادم تو اسمائشون را بهشون بگو فلما انباهم باسمائهم وقتی که آدم معلِّم ملائکه شد آدم معلم ملائکه شد پس آدم معلمش خداست یا ملائکه خدا. آدم معلم همه است. کجا علم و خرد دین و خرد دین و عقل با هم تعارض دارند؟ کجا شجره منعیک شجره علمه؟ این که قرآنه. اگر یک کسی این طور انسانی شناسی قرآنی را تصویر کرد خواهران من میتونه بگه نهضت نرم افزاری نهضت تولید علم این تازه مقام آدمه سبحانک لا علم لنا الا ماعلمتنا ما علم نداریم مگر اون چی که تو به ما یاد دادی قال یا آدم انبئهم باسمائهم فلما انباهم باسمائهم وقتی که آدم اسمهای ملائکه را گفت خداوند فرمود قال الم اقل لکم انی اعلم ما لا تعلمون دیدید شما همه­ی چهره آدم را ندیدی آدم یک چهره افساد دراد یک چهره اصلا.ح خوب دقت کنید خواهرا ملائکه، شما با کدوم چهره آدم آشنا شدید؟ بله افسادش. شما با این بعد مُلکی و زمینی آدم آشنا شدید چون اون چهره را می دیدید قالوا اتجعل فیکا من یفسد فیکا خداوند فرمود انی اعلم مالا تعلمون این آدم یک چهره دیگر هم دراد اون چهره دیگر معلِّم شما ملائکه است. شما چهره مُلکی شو می بینید من چهره ملکوتیشو می بینم شما اون چهره انسان را می دیدید که در این انسان حالا می رسیم انشاءاله می رسیم به بحث مهدویت. شما به قول آقای مطهری جوانی تاریخ را دیدید درش افساد و فساد و شهوته خداوند چهره خلاصه بلوغ و پختگی تاریخ را میبینه خدابیامرزه ایشان را.ایشان تاریخ را در مقابل اگوست کانت که موسس مکتب پوزیتویسم است به سه دوره تقسیم می کند انشاء اله جلسه بعد من الان نمی رسم تحلیلش را عرض کنم آخه حساب دراد می خواهیم این بعد انسان شناسیِ انسان را بدست بیاریم در جهان بینی قرآنی ببین این بعد انسان را می توانیم تصویر کنیم تا جریان مهدویت درست بشود جریان اصلاح درست بشود جرین اصلاح در مقابل جریان بفرمائید افساد قرار بگیره میشود این کاررا کرد و این کار چه خصوصیاتی دراد خواهران من این مهمه در قرآن باید اینو دربیاریم با هم. انی اعلم ما لا تعلمون من یک بعدی از وجود آدم را می بینم که شما بفرمائید نمی بینید .دیدید آدم معلم شما شد؟ پس آقا تعارض دین و علم تعارض عقل و دین تعارض دین گرایی و خردگرایی وصله ای است که به اندیشه قرآنی و مقام انسان در اندیشه قرآنی نمی چسبه. تحقیر سرمایک های عقلی و علمی انسان در اندیشه قرآنی تحقق پیدا نکرده. پس خواهرا این جریان تعارض مربوط به اسلام نیست. این جریان تعارض مربوط به تصویر انسان شناسانه قرآن نیست. تعارض مال بفرمایید حرف فرشته هاست که فکر می کردند انسان بفرمائید افساد می کند. اینو به حساب قرآن نذارید قرآن که اینطوری نمی بینه قضیک را .قرآن علم ادم الاسماء بفرمائید کلها با همبن حد(حرف) لاحدی و لا تعینی انسان، بی مقامی انسان اینه پس حالا یک تیکه دیگر دراد این مطلب میمونه برای جلسه بعد که اون بحث اگوست کانت را عرض کنم خدمت خواهرا منتها خب ما اینو تونستیم حل کنیم اما این را برای مرد حل کردیم خواهرا یا برای زن؟ -برای زن.-نخیر برای مرد.-چرا؟-آدم یعنی مرد.-ضمیر در کلها...-می دونم علم الادم الاسماء کل السماء کلها یعنی کل اسماء خواهر من. علم ادم پس هنوز اشکال باقیک کدوم اشکال باقیک؟ تحقیر زن. اولی حل شد اما ببین چکار باید بکنیم چکار باید بکنیم سواله ها باید تصویر بکنیم فعلا عنوان بحث ما زن در جهان بینی بفرمائید قرآنی. میگن دیدید همین که ما گفتیم باشد اشکال ندراد تعارض علم و دین نداریم درباره انسان اما تحقیر زن که داریم. اما بالاخره تقدم در خلقت با مرده یا زن؟ خلیفه خدا مرده دیگر بعد خداوند در آیات دیگر دراد خلاصه حوا را هم خلق کردیم بالاخره برای اینکه آدم تنها نمونه. بله باید جواب بدهیم بالاخره تقدم زمانی در خلقت با مرده یا زن با مرده علم ادم الاسماء کلها شد همان اشکالات علّم ادم شاگرد آدمه ادم اسم خاصه اسم مرده. در بیارید جوابمون را بدید مثل اینکه حالا دیگر دراد کلاس درست تر می شه پس ما فعلا بحثمون زن در جهان بینی بفرمائید قرآنیک می خوایم جایگاهشو تبیین کنیم. بخشی از آیات را فعلا خوندیم یک آیک دیگر داریم در ارتباط با خردگرایی که اون آیک هم خیلی بدرد می خوره کسی یادشه یک آیک دیگر که مسئله خرد را حل کند در قرآن و تعارض علم و دین را که آقای باربور از این فیلسوفان کلام جدید امراز اراپاخیلی تقلید می کند جواب بده؟ یک آیک بسیار ارزشمند دیگر داریم. مریم که مال زنه حالا ما فعلن تعارض علم و دین را حل کنیم خب رب زدنی علما دارم یا ندارم خب میدونم ولی تعارضش را چکار کنیم. تعارض را شما تعارض را حل کنید. تعارض را با آیات حل کنید. خب علم الانسان علم الانسان هم خوبه اما تعارض را حل کنید ببینید شما باید نشون بدید که در بعضی از آیات که گرایش اندیشه دینی به رفع تعارض علم و دینه و بعد جایگاه زن یا به تثبیت این تعارضه.؟تدبر و تعقل را خب تعارض را حل می کند؟ تعارض را حل کنید. بله . تمام شد حاج آقا

1. . نظام حقوق زن در اسلام [↑](#footnote-ref-1)
2. .Bertrand Arthur William Russell [↑](#footnote-ref-2)